

بی‌شک، گذر دنیا و غلبه‌ی روزگار و روی آوردن آخرت، نشانه‌هایی از حقیقت را بر من آشکار کرده که مرا از یاد دیگران و توجه به غیر خودم، منع می‌کند؛ ولی وقتی فارغ از غم مردم، با غصه‌های خود خلوت

کردم و توجهم را از همه کس و از نفس هوای خودم برگردانده و فکر و ذکرم فقط بر کار خودم متمرکز شد، دیدم که تو پاره‌ای از وجود من، بلکه همه‌ی هستی منی؛ تا آنجا که هر مصیبتی به تو برسد، گویا به من

رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، گویا به سراغ من آمده است؛ به همین دلیل کار تو همان قدر برایم مهم شد که کار خودم اهمیت داشت؛ پس این نامه را به قصد پشتیبانی از تو نوشتم، حال چه خودم در این دنیا بمانم یا نمانم.

آنقدر تو را عین خودم می‌دانم که هر خیر و شری به تو رسد به من هم می‌رسد چرا که تو، تمام وجود من هستی؛ پس من با تربیت تو، در حقیقت برای خودم تلاش می‌کنم زیرا تو خود من هستی. چه عبارت عاشقانه‌ای!

تو را به تقوای الهی و طاعت همیشگی خداوند و آباد کردن دل با یاد او و چسبیدن به ریسمان او توصیه می‌کنم، و چه حلقه‌ی وصلی بهتر از رابطه‌ی تو با خداست اگر سر این حلقه را محکم به دست بگیری؟

نفس و قلب خود را با موعظه زنده نگهدار و طغیانش را با بی‌میلی به دنیا بمیران و با یقین تقویتش کن و با حکمت، نورانیش ساز و با یاد مرگ، رامش کن و از او، فانی بودن

دنیا را اقرار بگیر و فاجعه‌های زشت دنیا را به او ارائه کن و از بی‌رحمی و زشتی گردش شب و روز، او را هشیار ساز و خبر گذشتگان را به او عرضه کن و مصیبت‌هایی را که بر پیشینیان وارد شد، به یادش آور؛ و در سرزمین‌ها و آثار باقیمانده از آنها سیر کن و در کردار آنان دقت کن و ببیندیش که از کجا، به کجا رفتند؟ و در چه وادی، منزل گزیدند؟ از میان

امیرالمؤمنین علیه السلام برای هر فردی، دارویی را پیشنهاد کرده‌اند (مانند دعای خمس عشر امام سجاده علیه السلام که یک داروخانه‌ی کامل است) و در راس همه‌ی آن داروها، خودسازی قرار دارد و لازم‌هاش توجه به سه نکته است:  
(۱) توحید یا خداآواری در تمام مراحل زندگی.  
(۲) هم‌نشینی با دوست عاقل که حق را از باطل تشخیص دهد.  
(۳) هم‌نشینی با انسان‌های خودساخته که بر نفس خود تسلط دارند و مراعاتی از تکامل را گذرانده‌اند.

دوستان خود کوچ کرده و وارد دیار غربت شدند و گویا تو نیز بزودی یکی از آنان خواهی بود؛ پس باطن خود را اصلاح کن؛ و آخرت را به دنیا مفروش؛ و سخن گفتن درباره‌ی اموری که به آنها آگاه نیستی و گفتگو پیرامون چیزی که وظیفه‌ی تو نیست را ترک کن؛ و راهی را که از گمراهی آن می‌ترسی، رها کن؛ زیرا خودداری هنگام حیرت گمراهی، بهتر از ارتکاب گناهانی است که عواقبی ترسناک دارند.

۴

#### مقاوم باش!

امر به معروف کن تا خودت نیز اهل معروف شوی و مُنکر را با دست و زبان، نهی کن و بکوش تا از اهل

مُنکر دور باشی؛ و در راه خدا، نهایت توانت را خرج کن؛ و مراقب باش که در راه خدا، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای در تو اثر نگذارد؛ و برای حق، در دریای مشکلات و سختی‌ها غوطه‌ور شو؛ و در شناخت دین، عمیق شو؛

اگر دیگران را با گفتار و رفتار به خوبی دعوت کنی، خودت نیز اهل آن نیکی خواهی شد و اگر بدون ترس از ریختن آبرویت یا کم شدن روزی‌ات نهی از منکر نمایی (چون خدا را روزی‌دهنده و حافظ آبرویت می‌دانی نه بندگان خدا را) خود را به پناهگاه مطمئن الهی رسانده‌ای.

و نفس خود را به صبر و تحمل ناخوشی‌ها عادت بده که عادت به استقامت در راه حق، چه اخلاق خوبی است. در تمام امور به خداوند پناه ببر؛ زیرا در این صورت به پناه‌گاهی محکم و سدی شکست‌ناپذیر پناهنده شده‌ای.

و درخواست‌هایت، تنها از پروردگارت باشد و بس، زیرا عطا کردن و محروم کردن، تنها به دست اوست؛ و بسیار از خدا طلب خیر کن؛ و وصیت مرا خوب بفهم و به سادگی از آن نگذر؛ چرا که بهترین سخن، آن سخنی است که سودمند باشد و بدان که، در دانشی که سودمند نباشد، هیچ خیری نیست و از علمی که ارزش آموختن ندارد، نمی‌توان سودی بُرد.

۵

#### من کوتاهی نکردم

پسرِ کم! هنگامی که دیدم به آخر عمر خود رسیده‌ام و دائماً ضعیف‌تر می‌شوم در نوشتن این وصیت‌نامه برای تو شتاب کردم و در آن، خصلت‌هایی را وارد کردم پیش از آنکه اجل با عجله مرا بگیرد و من رازهای درونم را برای تو بازگو نکرده باشم و یا در ذهن و حافظه‌ام، ضعفی پدید آید همانگونه که در جسمم پدید آمد و یا بعضی از خواسته‌های نفسانی و فتنه‌ها و فریب‌های دنیا، زودتر از وصیت من به تو برسد و تو دیگر مانند سنگی سخت و غیرقابل نفوذ

۱۱

۱۰

بشوی؛ زیرا حقیقت جز این نیست که قلب نوجوان مانند زمین خالی و آماده‌ای است که هر بذری در آن کاشته شود، می‌پذیرد.

پس در تأدیب و تربیت تو شتاب کردم پیش از آنکه قلبت، سخت و ذهن‌ت به امور دیگر مشغول شود و بخواهی با تلاش ذهنی خودت به استقبال اموری بروی که اهل تجربه، تو را از آزمودن و تجربه نمودن آنها بی‌نیاز کرده و تو را از هزینه‌ی جستجو

و تجربه کردن آن کفایت و از بکار بردن دوباره‌ی تجربه، مُعاف کرده‌اند. پس آنچه از تجربیات پیشینیان نصیب ما شده به تو هم رسیده و برخی از آنچه که برای ما مُبهم بوده است، برای تو روشن و واضح خواهد شد.

چرا شتاب در تربیت ضروری است؟  
به دلیل:  
(۱) آمادگی بیشتر قلب جوان برای پذیرش تربیت.  
(۲) عدم قساوت قلب او به سبب عدم آلودگی وی به گناه.  
(۳) عدم استغالل ذهن او به مشکلات زندگی.  
(۴) سبقت بر دیگران به جهت جلوگیری از دخالت آنان در شکل‌گیری شخصیت جوان.

## کتاب بی‌رنج

ای پسرکم! اگر چه من در ظاهر به اندازه‌ی مجموع عمر همه‌ی انسان‌های پیشین، عمر نکرده‌ام ولی با دقت در اعمال آنان و تفکر در اخبارشان و سیر در آثار برجای‌مانده از ایشان، یکی از آنها شمرده می‌شوم؛ بلکه به واسطه‌ی اشراف به امورشان، گویا با اولین تا آخرین آنان زندگی کرده‌ام؛ پس پاک‌ی و خوبی کردار گذشتگان را از تیرگی و بدی آن، و سودمندش را از مضرش، تشخیص دادم؛ سپس برای تو از هر امری، خالص و پاک و زیباترین آن را انتخاب و جدا کردم و مطالب مُبهم آن را از تو دور ساختم و مانند هر پدر مهربانی که به امور فرزندش اهتمام می‌کند، من نیز تصمیم گرفتم که تو را با خوبی‌ها ادب کنم در حالیکه تازه به روزگار روکرده‌ای و نیتی سالم و نفسی صاف و زلال داری.

## به انتخاب احترام می‌گذارم

ابتدا تصمیم داشتم تو را فقط با آموزش قرآن همراه با تأویل آن و احکام شرعی اسلامی یعنی حلال و حرام، تربیت کنم و نگذارم به چیز دیگری بپردازم، اما بعداً نگران شدم که نکند مسائل سیاسی و فتنه‌هایی که در جامعه رخ داده و باعث اختلاف‌نظر و چند

دستگی و شبهه‌دار شدن مردم شده، تو را نیز دچار شبهه کند؛ بنابراین با اینکه دوست نداشتیم تو را در جریان این مسائل بگذارم ولی استحکام ذهنّت در باره‌ی اتفاقاتی که نگرانِ هلاکتِ تو در مورد آنها هستیم را پسندیده‌تر یافتیم و امیدوارم خداوند نیز تو را در خصوص این مسائل، موفق به جمع‌بندی کند که مایه‌ی رشد تو باشد و به سوی مقصد شایسته‌ات، هدایت

فرماید. پس تو را به رعایت وصیتّم، سفارش می‌کنم. البته پسرم بدان آنچه که بیش از عمل به وصیتّم دوست دارم به من قول بدهی، عبارت است از: تقوای الهی و اکتفا کردن به آنچه خداوند بر تو

یکی از مصادیق علم نافع که برای تربیت ضروری است، کتاب شریف نهج البلاغه است که مبنای قرآن است، و از موضوعات پرتکرار در کلام مولانا بحث تقوا است (تقوا حالت خداترسی درونی و مسئولیت‌پذیری واقعی است، که مانع از تکاب گناه می‌شود).

واجب فرموده و پیمودن راه و روشی که پدران و اجداد و صالحان از اهل‌بیت پیموده‌اند؛ زیرا آنها نیز، همانگونه که تو در کار خود دقت داری و تفکر می‌نمایی، در کار خویش تفکر کرده و بی‌دقت نبودند، و در نهایت به این نتیجه رسیدند که هرچه را که درست شناختند، بپذیرند و از چیزی که نسبت به آن تکلیف نداشتند، خودداری کنند.

با این همه، باز هم اگر نفس تو از پذیرش راه و رسم اجداد صالحت امتناع کرد، در حالیکه تو علم و تجربه‌ی آنها را فعلاً نداری؛ پس لااقل جستجو و طلب تو، فقط برای فهم بهتر باشد نه شبهه‌افکنی برای فرار از حقیقت یا علاقه‌ی به دشمنی کردن. و پیش از دقت در این روش، ابتدا از خدایت طلب یاری کن و به او برای موفقیت، اشتیاق داشته باش و هر احتمالی که تو را به ورطه‌ی شبهه بیفکند یا تسلیم هلاکت کند، ترک کن؛ پس اگر به یقین رسیدی که قلبت باصفاست و نرَم و خاشع شده و رأی و اراده‌ات متمرکز گردیده و تنها هم و دغدغه‌ات همین است و بس، پس در آنچه برای تو تفسیر می‌کنم خوب دقت کن؛ اما اگر دیدی رأی و نظرت آنگونه که دوست داشتی، متمرکز نیست و فکر و ذکرَت فارغ از امور دیگر نشده است، پس باید بدانی که مانند کسی هستی که با وجود شب‌کوری، در شب تاریک، بیراهه می‌رود و در گِل مانده است؛ در حالیکه، طالب حقیقی دین، نه بیراهه می‌رود و نه مسائل را با هم مخلوط می‌کند؛ و در چنین وضعیتی، خودداری از حرکت، بهتر است. پس پسر، وصیت مرا خوب بفهم.

ای پسرکم! همانا من به تو از دنیا و حال آن و زوال و انتقالش خبر دادم و از آخرت و آنچه در آن آماده شده است باخبرت کردم، و برای تو درباره‌ی دنیا و آخرت، مثال‌ها زدم تا عبرت‌گیری و بر اساس آن، راه بیمایی. همانا مثل دنیا برای کسی که آن را آزموده است مانند گروهی است که در مسیر خود به منزلی بی‌آب و علف رسیده و قصد کوچ کردن به منزلی سرسبز و خرم و ناحیه‌ای آباد دارند؛ پس دشواری راه و دوری دوستان و خشونت سفر و ناگواری غذا را تحمل می‌کنند تا به خانه‌ی وسیع و منزل آرامش برسند؛ بنابراین از آن دشواری‌ها احساس نارضایتی نمی‌کنند و هزینه کردن در این راه را خسارت نمی‌شمارند و هیچ چیزی برای آنان از آنچه که آنها را به منزل آرامش و جایگاه شایسته‌شان نزدیک سازد، محبوبتر نیست.

و مثل کسی که فریب دنیا را خورده است مانند گروهی است که در منزلی سبز و خرم قرار دارند و آنان را به سوی منزلی خشک و بی‌آب و علف می‌برند، پس روشن است که هیچ چیز برای آنها ناخوشایندتر و دردآورتر از جدایی از جایگاهی که در آن بوده‌اند و رسیدن به جایی که می‌روند، نیست.

ای پسرم! خودت را میزان میان خود و دیگران قرار بده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و چیزی را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم مپسند؛ و ستم نکن همانگونه که دوست نداری که به تو ستم کنند؛ و به دیگران نیکی کن همانطور که دوست داری به تو نیکی کنند؛ و چیزی را

که برای دیگران زشت می‌شماری برای خودت نیز زشت بشمار؛ و به چیزی از مردم راضی شو که برای خودت راضی می‌شوی؛ و چیزی را که نمی‌دانی مگو، حتی اگر آنچه می‌دانی، کم باشد؛ و چیزی را مگو که دوست

ما انسان‌ها وظیفه داریم خودمان را جای دیگران بگذاریم و با مردم به گونه‌ای رفتار کنیم که دوست داریم با ما رفتار کنند و آنچه برای خود نمی‌پسندیم برای دیگران نیز نپسندیم. در واقع، یک سوزن به خودمان بزنی، یک جوالدوز به مردم

نداری درباره‌ی خودت گفته شود.

و بدان که خودپسندی ضد راستی و درستی و آفت خردهاست؛ پس تلاشت را توسعه بده و خزانه‌دار دیگران مباش و اگر به مقصود خود، هدایت شده و رسیدی، باید خاشع‌ترین فرد برای پروردگارت باشی.

سنگین است، به مراتب بهتر خواهد بود؛ و حال کسی که به کندی از آن گردنه‌ها بگذرد، بدتر از کسی است که با سرعت عبور کند؛ و ناگزیر، بعد از عبور از آن گردنه‌های صعب‌العبور، محل اقامت تو، یا بهشت خواهد بود یا جهنم؛ پس قبل از منزل کردن در جایگاه ابدی، وسایل لازم را برای خودت پیش بفرست و منزل را آماده کن؛ چرا که پس از مرگ، نه عذری پذیرفته می‌شود و نه راه بازگشتی به دنیا وجود دارد.

۱۲

### دعا: کلید گنج‌های خدا

پدان خدایی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین فقط به دست اوست به تو اجازه‌ی دعا و درخواست داده، و به تو فرمان داده است تا از او بخواهی تا عطا کند، و طلب رحمت کنی تا به تو رحم کند؛ و کسی را بین تو و خودش قرار نداده که حجاب و مانع شود؛ و تو را وابسته به شفיעی نکرده و در صورت گناه کردن، تو را از توبه کردن منع نکرده؛ و در عذاب تو عجله نکرده و به واسطه‌ی انابه و بازگشت از گناه، از تو عیب نگرفته است؛ و در موقعیتی که حَقّت بود که آبرویت برود، آبرویت را نبرده و درباره‌ی شرایط پذیرش توبه، سخت‌گیری نکرده؛ و با تو بر سر جریمه‌ی گناهانت بگومگو نکرده و تو را از رحمت خویش مأیوس نفرموده است؛ بلکه دل‌کندن تو از گناه را حسنه و

۲۲

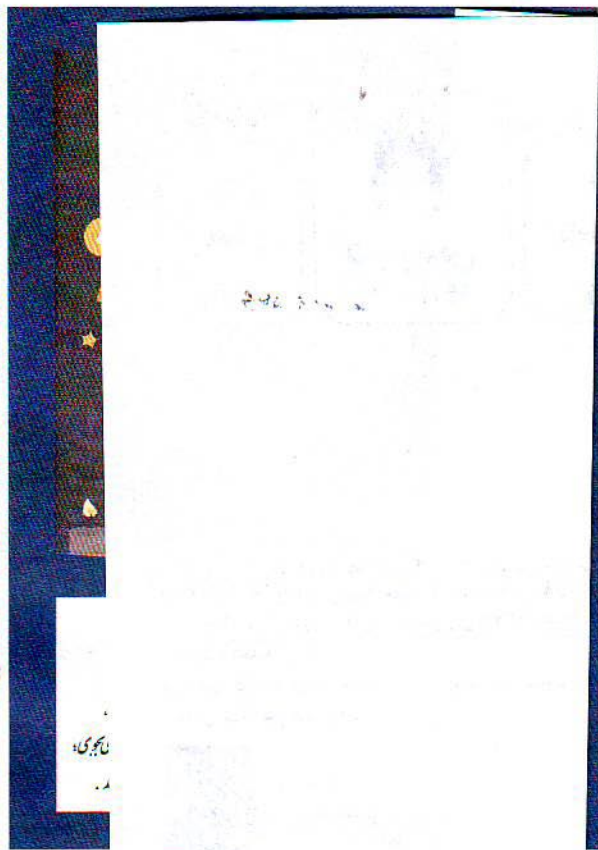
نیکی محسوب کرده؛ هر گناهت را یکی شمرده اما هر خوبی‌ات را ده برابر حساب کرده است؛ و خودش در توبه و بازگشت را به رویت باز کرده است؛ بنابراین هر زمانی که او را صدا کنی، ندایت را می‌شنود و هرگاه با او خصوصی نجوا کنی، از نجوایت آگاه است؛ پس نیازهایت را به سوی او روانه کن و رازها و دردهای سینه‌ات را به او بگو و از غصه‌ها به او شکایت کن و حل مشکلاتت را از او بطلب و در همه کارهایت از او یاری بجوی؛ و از گنج‌های رحمتش چیزهایی را درخواست کن که کسی غیر از او نمی‌تواند عطا کند، مثل زیاد شدن عمر و سلامتی بدن و افزایش روزی.

سپس توجه داشته باش که خداوند با اذن و اجازه‌ای که به تو در دعا و درخواست داده، در واقع کلید گنج‌هایش را به تو داده است تا هرگاه اراده کردی با دعا، درهای نعمت‌هایش را باز کنی و باران رحمتش را طلب نمایی؛ پس هیچ وقت دیر شدن اجابت دعا، تو را ناامید نکند؛ زیرا بخشش خداوند به اندازه‌ی نیت است و گاهی در اجابت دعا تاخیر می‌شود تا اجر و پاداش دعاکننده، بیشتر؛ و بهره‌ی آرزومند، بزرگتر شود؛ و چه بسا گاهی چیزی را درخواست می‌کنی و به تو داده نمی‌شود ولی بهتر از آن در آینده‌ای نزدیک یا دور به تو داده خواهد شد. یا گاهی دلیل اینکه خواسته‌ات داده نمی‌شود این است که خیر تو در آن است؛ زیرا چه بسا چیزی را طلب می‌کنی که اگر داده شود، باعث نابودی دین تو خواهد شد.

بنابراین سعی کن چیزهایی را درخواست کنی که زیبایی حقیقی‌اش برایت بماند و وَبالش از بین برود؛

۲۳

چون نه مال دنیا برای تو باقی می ماند و نه تو برای  
آن می مانی.



پس کلید کنج را هم داده است

درودست خواهست بخواده است

### وقت تمام، ورقه ها بالا

پسر عزیزم! بدان که تو برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا؛ و برای فنا نه برای بقا؛ و برای مرگ و رفتن، نه برای زندگی و ماندن؛ و تو در حال کنده شدن از دنیا و رفتن به خانه ی نهایی و راه آخرت هستی و تحت تعقیب مرگی هستی که فرارکننده ی از آن، راه نجاتی ندارد و هر کس را بجوید، از دست او نمی تواند بگریزد و ناگزیر، مرگ او را در می یابد؛ پس مراقب باش که مرگ در حال گناه به سراغت نیاید در حالیکه تو با خود وعده ی توبه می گذاری و او، بین تو و توبه، فاصله ایجاد می کند؛ زیرا در این صورت، خودت را هلاک کرده ای.

ای پسرم! زیاد به یاد مرگ و حوادثی که به سوی آن با سرعت می روی و بعد از مرگ به آن دچار خواهی شد باش، تا وقتی آن حادثه به تو رسید، وسایل سفرت آماده و کمربندت محکم بسته باشد؛ نکند مرگ، ناگهانی فرا رسد و غافلگیر شوی.

و مبدا از دلبستگی اهل دنیا و هجوم حریصانه ی ایشان به دنیا فریب بخوری؛ زیرا هم خداوند تو را از احوال دنیا باخبر کرده و هم دنیا خودش را به تو معرفی نموده و از زشتی هایش پرده برداری کرده است.

پس حقیقت جز این نیست که اهل دنیا، سگ های عوعوکننده و درندگان خطرناکی هستند که برخی از آنان برخی دیگر را گاز می گیرند و قدرتمندشان،

ضعیفشان را می خورد و بزرگشان، کوچکشان را شکست می دهد. مانند شترانی هستند که بعضی از آنها پابسته و بعضی دیگر رها شده اند که عقل هایشان، گمراه شده و راه ناآشنایی را می پیمایند و در وادی شنزار به کندی حرکت می کنند. نه چوپانی دارند که به امورشان رسیدگی کند و نه چراننده‌ای که آنها را به چرا ببرد.

دنیا آنان را به کوری کشانده، دیدگان‌شان را از مناره‌های هدایت، برگرفته است. به همین سبب در بیراهه‌های دنیا سرگردان و در نعمت‌های آن غرق شده و دنیا را پروردگار خود ساخته‌اند، دنیا

آنها را بازی داده و آنها هم به بازیچه‌ی دنیا مشغول شده‌اند و عالم ماورای دنیا را فراموش کرده‌اند. کمی حوصله کن به زودی هوای تاریک، روشن خواهد شد، چنان که گویا مسافران به منزل رسیده‌اند و نزدیک است آن که شتاب کرده به کاروان برسد.

مرگ، تاریخ مشخصی ندارد که خودمان را بر اساس آن تنظیم کنیم. هر لحظه امکان دارد دار فانی را وداع بگوییم و چنان غافلگیر شویم که هیچ فرصتی برای جبران نباشد.

بدان پسرم؛ کسی که مرکب سفرش، شب و روز است، برده می شود حتی اگر توقف کرده باشد و مسافت را طی می کند و لو مقیم و مستقر باشد. و بدان که یقیناً تو نه می توانی به همه آرزوهای برسی و نه می توانی با اجلت بجنگی و در همان مسیری هستی که انسان‌های پیش از تو بوده‌اند؛ پس در طلب دنیا، به کم اکتفا کن و در مصرف چیزی که به دست می آوری اجمال را رعایت نما؛ زیرا بعضی دنیا طلبی‌ها، منجر به جنگ و نزاع می شود.

پس اینگونه نیست که هر طالب دنیایی به رزق دلخواه خود برسد و هر کم مصرف کننده‌ای، محروم بماند. نفس خود را از ارتکاب به هر چیزی که موجب پستی تو می شود، گرامی بدار، هر چند تو را به خواسته‌هایت برساند؛ زیرا تو در برابر هر چیزی که از عزت نفست از دست می دهی هیچ عوض و جبرانی به دست نخواهی آورد، و برده‌ی دیگران مشو؛ زیرا خداوند تو را آزاده آفریده است و خیری که جز از راه شر بدست نمی آید، اصلاً خیر نیست و آسایشی که جز از راه پذیرفتن سختی بدست نمی آید، اصلاً آسایش نیست.

و مراقب باش که اسب‌های طمع، تو را با شتاب نرانند و به ورطه‌ی هلاکت نکشانند؛ و اگر توانستی کاری کنی که هیچ ثروتمند و صاحب نعمتی بین تو و خدا نباشد، چنین کن؛ زیرا تو بالاخره به قسمت